

رویکرد روس و انگلیس به بحرانهای مالی حکومت محمد علی شاه در دوران استبداد صغیر

مظفر شاهی

طرح مسئله

انقلاب مشروطیت ایران، در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴/۱۴ مرداد ۱۳۸۵ برابر با ۵ اوت ۱۹۰۶ به پیروزی رسید و با فراهم آمدن مقدمات انتخابات و سپس تشکیل اولین دوره مجلس شورای ملی در ۱۷ شعبان ۱۳۲۴/۱۳ مهر ۱۲۸۵ مطابق با ۱۷ اکتبر ۱۹۰۶، نظام مشروطه پارلمانی در ایران پای در عرصه وجود نهاد. با تمام این احوال نظام نوپای مشروطیت در ایران هنوز با کاستیها و مشکلات عدیده‌ای در شئون مختلف روبرو بود. در این میان بحران مالی فزاینده دامنگیر دولت و حکومت - که البته ریشه در سالیان طولانی گذشته داشت - بسرعت موجبات مناقشات و اختلافاتی را فیما بین دولت و مجلس فراهم آورد و فقط چند روزی پس از آغاز کار مجلس در ۲۲ رمضان ۱۳۲۴/۱۸ مهر ۱۲۸۵ مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه)، از وزرای کابینه میرزا نصرالله خان مشیرالدوله به مجلس آمد و با اشاره به مشکلات مالی عدیده‌ای که دامنگیر دولت بود، از نمایندگان خواست تا موافقت خود را با اخذ وام از دو کشور روس و انگلیس - که مذاکرات آن از مدتها قبل ادامه داشت - اعلام کرده، طرح قانونی لازم را به تصویب برسانند. اما این خواسته دولت با مخالفت مجلس شورای ملی روبرو شد و در مقابل، نمایندگان بر ضرورت تهیه پول و وجوه مورد نیاز از منابع مالی داخلی تأکید کردند و به دنبال آن، طرح تأسیس بانک ملی ایران مورد توجه جدی مجلس قرار گرفت؛ و در حالی که با پیگیری‌های نمایندگان و شمار گسترده‌ای از مردم کشور، طرح تأسیس بانک ملی ایران با موفقیت‌های قابل توجهی روبرو شده بود، تداوم بحرانهای مالی دامنگیر دولت، کار شکنی‌های دربار و شخص محمدعلی شاه و نیز سخت‌گیریهای مالی دو بانک شاهنشاهی و استقراضی (و دو کشور روس و انگلیس)، بتدریج تداوم این طرح را با ناکامی مواجه کرد و نهایتاً با بمباران مجلس و پایان دوران نخست مشروطه، طرح تأسیس بانک ملی ایران به دست فراموشی سپرده شد. در طول دوران اول مشروطه، طرح تأسیس شعبه‌ای از بانک شرقی آلمان در ایران نیز عمدتاً به خاطر مخالفت روس و انگلیس به شکست انجامید. آنچه بود، در دوران نخست مشروطیت، مجلس شورای ملی اجازه استقراض از دو کشور روس و انگلیس را به دولت و حکومت نداد و هنگامی که با تعطیلی قهرآمیز مجلس شورای ملی، حکومت

محمدعلی شاه جهت مذاکره با دو کشور برای اخذ وام مبسوط الید شد، دور تازه‌ای در روابط فیما بین حکومت ایران و آن دو کشور در حال شکل‌گیری بود. مقاله حاضر با عنایت به مشکلات پیش روی حکومت محمدعلی شاه در بیش از حدود ۱۳ ماه دوران موسوم به استبداد صغیر، رویکرد و نوع تعامل دو کشور روس و انگلیس را با وضعیت پیشامد کرده سیاسی ایران پس از بمباران مجلس مورد بررسی اجمالی قرار داده، بر این پرسش پاسخ خواهد داد که: خواستها و نیازهای مالی و اقتصادی محمدعلی شاه بر حسب چه اولویتها و شروطی از سوی این دو کشور مورد توجه قرار گرفت و به چه نتایجی منجر شد؟ این فرضیه که به رغم بازگشت دوباره روش استبدادی حکومت، هر دو کشور روس و انگلیس - و البته هر یک به خاطر منافع و سیاستهای خاصی که در ایران دنبال می‌کردند - عمدتاً به دلیل گسترش نارضایتی‌های عمومی و انتقادات پیدا و پنهان بسیاری که از سوی مشروطه خواهان در گوشه و کنار کشور متوجه آنان بود، نمی‌توانستند و یا نمی‌خواستند با حکومت خود کلامه محمدعلی شاه همراهی آشکار و بدون شائبه‌ای نشان دهند.

با بمباران مجلس و تعطیلی آن در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶/۲۲ ژوئن ۱۹۰۸ توسط قزاقهای تحت فرماندهی لیاخوف روسی، عمر مشروطه اول به سر آمد و دوران موسوم به استبداد صغیر آغاز شد و تا ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷/۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ که تهران را مشروطه خواهان فتح کردند و نظام مشروطه مجدداً برقرار شد - ادامه یافت. بانک استقراضی که طی همان دوران مشروطه اول به رغم مخالفت‌های نمایندگان مجلس شورای ملی با اخذ هرگونه وام خارجی، مکرراً و امهایی در اختیار محمدعلی شاه قرار داده بود، (۱) به هنگام جنگ مشروطه خواهان و مجلسیان با نیروی قزاق تحت فرمان لیاخوف هم از اعطای هرگونه کمک مالی به محمدعلی شاه و قزاقهای مأمور بمباران مجلس شورای ملی فروگذار نکرد. (۲) پیش از آن نیز بانک استقراضی با کمکهای مالی به قزاقهای تحت فرمان افسران روسی در تقویت هرچه بیش‌ترین نیروها - که عملاً فرامین دولت مشروطه را بر نمی‌تابیدند و در مقابل، از موضع محمدعلی شاه حمایت می‌کردند - کوشیده بود. (۳) چنانکه سر سسیل اسپرینگ رابین در پنجم مارس ۱۹۰۷ در این باره خطاب به سرادار دگری نوشت:

آپس از متشنج شدن روابط محمد علی شاه با مجلس قبل از بمباران؛ شاه و هوادارانش، خواستار دخالت روسیه در امور ایران هستند. در تهران عقیده بر این است که شاه، اوضاع پایتخت را حفظ خواهد کرد؛ در حالی که روسها وعده کرده‌اند که در تبریز و مشهد به شاه کمک کنند. گفته می‌شود که بانک روس، وعده داده است پول برای پرداخت حقوق سپاهیان در تهران پرداخت کند... (۴)

مذاکرات قرصه

با آغاز دوران موسوم به استبداد صغیر، بحران مالی دامنگیر دولت کماکان ادامه یافت و در شرایطی که تا آن هنگام به دلایل عدیده، اخذ هرگونه وام خارجی به عهده تعویق افتاده بود، حاکمیت استبدادی جدید بیش از هر زمان دیگری خود را نیازمند دریافت کمکهای مالی از بانکهای شاهنشاهی و استقراری یافت. (۵) بحران مالی به حدی گسترش یافته بود که طی ماههای نخست دوران استبداد صغیر، برخی از کارگزاران محلی حکومت در ایالات مختلف برای پرداخت تعهدات عقب افتاده و نیز مصارف جاری خود، آشکارا کاروانهای حامل پول بانکهای شاهنشاهی و استقراری را در حوزه تحت حکمرانی خود ضبط می‌کردند و وجه آن را به حساب قروض دولتی ایران به این بانکها محسوب می‌داشتند. (۶) بدین ترتیب محمد علی شاه مدت کوتاهی پس از بمباران مجلس شورای ملی مشیرالسلطنه، رئیس الوزاری انتصابی خود را مأمور ساخت تا دولتی روس و انگلیس را برای اخذ وامی کافی به دولت ایران متقاعد سازد. مشیرالسلطنه هم به جد پیگیر قضا یا شد و از سفارتین روس و انگلیس تقاضا کرد تا برای اخذ وامی به مبلغ ۴۰۰/۰۰۰ لیره از بانکهای شاهنشاهی و استقراری برای دولت ایران مساعدت لازم را به عمل آورند. (۷)

دولت روسیه - که در تقویت موقعیت محمد علی شاه می‌کوشید - ترجیح می‌داد که در اسرع وقت پول مورد نیاز را با مشارکت انگلیسها در اختیار دولت او قرار دهد. (۸)

اما انگلیسها توصیه می‌کردند این وام ۴۰۰/۰۰۰ لیره‌ای مورد تقاضای دولت ایران، فقط زمانی در اختیار محمد علی شاه قرار گیرد که اولاً "برای جلوگیری و متوقف ساختن مشروطیت از آن استفاده نشود؛ ثانیاً "چگونگی صرف وام مزبور به وسیله تضمینات مناسب کنترل شود". (۹) با این حال انگلیسها که - احتمال هرگونه انجام اصلاحی سیاسی و اقتصادی را تحت حاکمیت استبدادی محمد علی شاه ضعیف می‌دانستند - ترجیح می‌دادند در اعطای وام به او و دولتش احتیاط بیش تری به عمل آورند. (۱۰) محمد علی شاه - که جهت هزینه‌های جاری دربار و دولت، سخت تحت فشار قرار گرفته بود و از سوی دیگر دولت انگلستان، روسیه تزاری را برای اجتناب از پرداخت وام به دولت ایران در شرایط موجود با خود همدستان کرده بود - در صدد برآمد با گرو گذاردن جواهرات شخصی از بانکهای شاهنشاهی و استقراری، وام مورد نیاز را تهیه کند؛ اما دولتی و ترجیحاً انگلیسها این پیشنهاد محمد علی شاه را نیز رد کرده، استدلال نمودند که "آخر الامر این پول به موجب دستخطی از شاه به حساب دولت محسوب و منتقل خواهد گردید". (۱۱) محمد علی شاه - که احساس کرد هرگاه با شرایط دولتی در برقراری مجدد مشروطیت و مصرف پول اعطایی تحت نظارت آن دو کشور موافقت نکند، وامی به دست نخواهد آورد - در ۱۶ دسامبر ۲۷/۱۹۰۸ ذیقعدة ۱۳۲۶ سعیدالدوله را مأمور مذاکره با سفارتین روس و

انگلیس ساخته، پیام داد که آیا اگر او موافقت خود را با برقراری مجدد مشروطیت اعلام کند، وام مورد نیاز به او داده خواهد شد یا خیر؟ اما سفارتین پاسخ دادند تا هنگامی که عملاً اقدامی در این باره صورت نگیرد، پولی به او داده نخواهد شد. (۱۲)

در این میان، سفارت روس در تهران به سفارت انگلیس پیشنهاد می‌کرد که هرگاه محمد علی شاه تصمیم‌های لازم را برای برقراری مجدد مشروطیت به دولتی ارائه دهد، وام ۴۰۰/۰۰۰ لیره‌ای مورد تقاضا در اختیار او قرار داده شود. بدین ترتیب، روسها برخلاف انگلیسها خواستار آن بودند تا وام مذکور پیش از عملی شدن وعده‌های محمد علی شاه در اختیار او قرار گیرد تا به نوعی مایه امیدواری او گردد. (۱۳) انگلیسها هم به رغم اصراری که در برقراری مجدد مشروطیت داشتند، در نهایت مایل نبودند متحد خود، روسیه را برنجانند. به همین دلیل تدریجاً با پیشنهاد روسها موافقت کردند؛ اما شرط کردند که وام مذکور فقط پس از اخذ ضمانتهای لازم از محمد علی شاه، برای برقراری دوباره اصول مشروطیت و نیز تأیید مستدل بیزو، مستشار فرانسوی مالی دولت ایران درباره بحران مالی دولت و نیاز مبرم به دریافت پول، وام مذکور در اختیار محمد علی شاه و دولت او قرار داده شود. (۱۴) مضافاً اینکه بیم آن می‌رفت هرگاه انگلیسها در اعطای وام به محمد علی شاه سرسختی بیش تری از خود نشان دهند، روسها وام مورد نیاز او را انحصاراً از طریق بانک استقراری تأمین کنند. چنانکه وقتی سرنیکلسون سفیر بریتانیا در سنت پترزبورگ به ایزولسکی وزیر خارجه روسیه اظهار داشت تا برقراری مجدد مشروطیت در ایران، از اعطای وام به محمد علی شاه اجتناب کنند، ایزولسکی ضمن اظهار نگرانی از وضعیت سیاسی حاکم بر کشور و مشکلات عدیده مالی دامنگیر محمد علی شاه، خاطر نشان ساخت که دل بستن به روی کار آمدن نظام مشروطیت، نظیر آنچه پیش از کودتا در ایران وجود داشت، ممکن است اوضاع را سخت به زیان دولتی روس و انگلیس تغییر دهد. در بخشی از گفتگوی نیکلسون با ایزولسکی - که در ۲۸ دسامبر ۱۹۰۸ گزارش آن برای گری فرستاده شده است - چنین می‌خوانیم:

"مسیو ایزولسکی، خاطر نشان ساخت در یادداشتی که اینجانب به او داده‌ام، دولت انگلستان شرط اصلی پرداخت وام را برقراری مشروطه تعیین نموده است و این امر، ظاهراً علاج شدیدترین درد دولت را به آینده نسبتاً دوری محول می‌نماید. بدون داشتن پول، حتی شروع به اصلاحات هم امکان ندارد و ما شین مشروطیت را هم بدون پول نمی‌توان به حرکت انداخت. او گفت: امیدوار است از اظهارات صریحش رنجشی پیدا نکنم. اما معتقد بود که ما ملاحظاتی سیاست داخلی خود را بیش از حد در مسائل مربوط به ایران دخالت می‌دهیم. انگلستان، شاید قادر باشد وضع ایران را با منانیت بیش تر و بردباری زیادتری نسبت به روسیه تلقی کند؛ زیرا گرفتاریهای جدی تری در نواحی شمالی ایران و در جوار مرز روسیه پدید آمده و منافع تجاری روسیه هم بیش از منافع بریتانیای کبیر صدمه می‌بیند. او رنوس برنامه‌ای را که احتیاجات ضروری ایران را مرتفع نموده و به شاه هم اطمینانی می‌بخشد تا در اجرای اصلاحاتی که دو دولت مشتاق انجام آن هستند جدیدت به خرج دهد، برایم تشریح کرده است. به مسیو ایزولسکی گفتم: اینجانب مضمون این اظهاراتشان را به لندن تلگراف خواهم کرد و پیش از مخایرة تلگرام، پیش نویسی آن را نزد ایشان خواهم فرستاد تا در آن حک و اصلاحی که لازم بدانند، به عمل آورند." (۱۵)



محمد علی شاه

سفیر روسیه در تهران، ترتیب اخذ وامی از بانک استقراضی را فراهم آورد. سابلین نیز ضمن حمایت از خواسته محمد علی شاه، در دهم ژانویه ۱۹۰۹ طی گزارشی که برای وزارت خارجه دولت متبوعش فرستاد، لزوم اعطای وامی کافی را در آن شرایط بحرانی به محمد علی شاه ضروری شمرد و تأکید کرد که هرگاه این پول - سابلین، ۵/۰۰۰/۰۰۰ روبل مساعده برای پرداخت به

با این حال، انگلیسیها هنوز جهت تحت فشار قرار دادن محمد علی شاه برای برقراری مجدد مشروطیت از حمایت روسها برخوردار بودند. (۱۶) اما محمد علی شاه - که در نهایت تمایلی به برقراری مشروطیت نداشت - پیش از انگلیسیها امیدوار بود که وام مورد نیاز را از طریق روسها به دست آورد. به این دلیل، سعدالدوله وزیر امور خارجه را مأمور ساخت تا ضمن تماس با سابلین

محمدعلی شاه در نظر داشت- در اختیار محمدعلی شاه قرار نگیرد، اوضاع سیاسی-اقتصادی ایران باز هم وخیم تر خواهد شد. (۱۷) دولت روسیه نیز پیشنهاد سفیرش را در تهران از طریق نیکلسون سفیر بریتانیا در سنت پترزبورگ به سرادوار دگری، وزیر خارجه بریتانیا توصیه کرد. اما گری در پاسخ متذکر شد که قبل از برقراری مجدد مشروطیت و ایجاد اصلاحات لازم، اعطای هر گونه وامی به محمدعلی شاه چاره‌ای از مشکلات نخواهد گشود. (۱۸)

وزارت خارجه روسیه در واکنش به این موضع گیری، طرحی را آماده ساخت تا هرگاه محمدعلی شاه در اسرع وقت نسبت به پذیرش و اجرای مفاد آن اقدام لازم را به عمل آورد، وام مورد نیاز در اختیار او قرار گیرد. در این طرح چهار ماده‌ای، وزارت خارجه روسیه - که در ۱۷ ژانویه ۱۹۰۹ توسط نیکلسون سفیر بریتانیا در سنت پترزبورگ برای گری ارسال شده است - چنین می‌خوانیم: "۱- بدون اینکه به نحوی از اصل سیاست عدم دخالت در امور داخلی ایران منحرف شویم، به طریق دوستانه به شاه توصیه کنیم که مشاوران خود را از میان اشخاص لایق و فعالی که قبلاً ثابت نموده‌اند که علاقه مند هستند کشورشان را از این وضع دشوار نجات دهند انتخاب نماید و مخصوصاً سعدالدوله و ناصر الملک را نام ببریم.

۲- به شاه علاقه‌مندی خود را نسبت به روی کار آمدن یک دولت منتخب نماینده ملی در ایران- که لزوم آن را خود ایشان تشخیص داده است- ابراز داریم، بدون اینکه در مورد تشکیل مجدد فرم حکومتی، نظیر آنچه در سال ۱۹۰۸-۱۹۰۷ وجود داشت، پافشاری کنیم، به شاه توصیه کنیم که بدون تأخیر با کمک آنان که در بالا نام برده شد و سایر اشخاص شایسته، قانون انتخاباتی تدوین نمایند که به موجب آن، مجلس مقننه جدیدی که با عقاید و سنن تاریخی و معتقدات مذهبی ایرانیان و نیز با برقراری صلح و نظم در ایران سازگار باشد، تشکیل گردد.

۳- در صورتی که شاه به حد کافی ثابت نماید که تصمیم دارد از راهنمایی‌های روسیه و بریتانیای کبیر پیروی نماید، به او کمک نمائیم تا بتواند وام نسبتاً قابل ملاحظه‌ای در خارج به دست آورد؛ مشروط بر اینکه کمیته ویژه‌ای متشکل از مدیران بانکهای روس و انگلیس و مأمورین ایرانی تشکیل یابد و این کمیته، باید مصرف وام مزبور را کنترل نموده و مراقب باشد که وام در راه تأمین احتیاجات کشور مصرف گردد و نسبت به بودجه‌های مختلف دولت، نظارت و در تجدید نظر و تنظیم قوانین مالیاتی، با وزیر دارایی کمک کند.

۴- دولتین روسیه و انگلستان به منظور اثبات احساسات مودت آمیز خود، حاضر خواهند بود مبلغ ۲۰۰ هزار لیره به عنوان وام براساس شرایط سال ۱۹۰۶ در اختیار دولت ایران قرار دهند تا به مصرف هزینه‌های فوری- که انجام اصلاحات ایجاب می‌نماید - برسد. (۱۹)

به رغم این موضع گیری‌های دولتین، محمدعلی شاه طی ماههای نخست سال ۱۹۰۹ میلادی/اوایل صفر ۱۳۲۷ هنوز رغبت چندانی برای انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی مورد نظر از خود نشان نمی‌داد و تلاشهای برخی از رجال و درباریان نظیر سعدالدوله، جهت همراه کردن او با خواسته‌های روس و انگلیس، آن چنانکه باید نتیجه بخش نبود. (۲۰)

از سوی دیگر وزارت امور خارجه بریتانیا - که همچنان بر لزوم برقراری مجدد مشروطیت و انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی در ایران اصرار می‌ورزید- طی پاسخی که به مراسم و پیشنهاد چهار ماده‌ای روسها در باره چگونگی برخورد با محمدعلی شاه و اعطای وام مورد نیاز به او فرستاد، به طور تلویحی پیشنهاد روس هارا در باره اعطای وام زود هنگام به محمدعلی شاه رد کرد و متذکر شد که دولتین برای تحت فشار قرار دادن محمدعلی شاه جهت همگامی با خواسته‌های خودشان باز هم پافشاری کنند و هرگاه علایم روشنی از گام نهادن محمدعلی شاه در جاده صواب و همراهی با خواسته‌های آن دو دولت پدیدار شد، وام مورد نیاز را در اختیار وی قرار خواهند داد.

در بخشهایی از این پاسخ وزارت امور خارجه بریتانیا - که در سوم فوریه ۱۹۰۹ از طریق سرنیکلسون سفیر آن کشور در سنت پترزبورگ به اولیای وزارت امور خارجه روسیه تسلیم شده است - چنین می‌خوانیم:

"...بعد از ملاحظه کامل در تمام وقایع، دولت انگلیس تصور می‌کند که بهترین رویه‌ای که دولتین انگلیس و روس اتخاذ نمایند، این است که بکلی از مداخله در امور داخلی ایران احتراز نموده و بگذارند انقلابات حاضره اینقدر امتداد حاصل بنماید تا هریک از عناصری که در مملکت قوی تر است، گوی سبقت را بریابد و در عرض این مدت، دولت انگلیس حاضر خواهد بود که به مخاطراتی که ممکن است به منافع تجارتی انگلیس خلل برساند تن در دهد. لیکن دولت انگلیس نمی‌تواند تصدیق نماید که اتخاذ این روش برای دولت روس مشکل تر خواهد بود؛ چونکه سرحد و ولایات آرامی دارد که با مغشوش ترین نقطه ایران همساک است. بنابراین اگر دولت روس بر این عقیده است که تعقیب روشی که به نظر دولت انگلیس صلاحیت دارد، برای روس غیر ممکن است، دولت انگلیس حاضر است در باب اقدامات آتیه با دولت روس معیت بنماید.

دولت انگلیس با نظریات و تشویق دولت روس، در باب وضع کنونی ایران شریک است و موافقت دارد که تا حکومت شوروی تأسیس نشود، احتمال ترقی در ترتیب نمی‌رود. دولت انگلیس حقیقتاً از منابع موثقه اطمینان حاصل نموده است که اگر یک مشروطه‌ای اعطا بشود، آرامی و سکون در تمام ایران مستقر خواهد شد.

علیهذا، تصور می‌کند که عاجلاً مجاهدات دولتین باید متوجه و مصروف بر این بشود که شاه را متقاعد بنمایند که ایفای به مواهید خودش را در این خصوص بنماید.

در باب چندین فقره پیشنهادهایی که دولت روس در تحت نمرات مرتب نموده‌اند، دولت انگلیس نظریات ذیل را پیشنهاد می‌نماید:

۱- دولت انگلیس، مشعوفانه این پیشنهاد را استقبال می‌نماید که دولتین باید به شاه صلاح اندیشی بنمایند که اشخاص کافی غیور برای مجلس شورای خود نامزد بنمایند که بتوانند در طرح نمودن نقشه و ترتیبی برای حکومت شوروی، آن اعلیحضرت را کمک بنمایند برای مقدمه این مسئله صلاحیت خواهد داشت که ضمناً به اعلیحضرت معظم توصیه بشود که ناصحین مرتجع از قبیل صدراعظم و امیربها در جنگ راه - که بنا به اعتقادات کنونی



مدت تجاوز نماید و باید خاطر نشان آن اعلیحضرت نمود که اگر تا یک موعده معینی یک قسم حکومت شوروی - که مناسب احتیاجات مملکت باشد - اعطا نشود، دولتین انگلیس و روس هیچ نوع مساعدتی از هر قبیل که باشد، به او ننموده و برای حفظ منافع خود اقدامات خواهند نمود.

۳- دولت انگلیس تصور می کند که در مسئله استقراض به هیچ وجه عجله ای لازم نیست و بهتر آن است که به عهده تعویق گذارده بشود تا راپورت مستشار مالیه صادر گردد که از قرار معلوم محتمل است در عرض چند هفته دیگر حاضر بشود. اگر آن راپورت، مبنی بر این باشد که برای تجدید استقرار اعتبار ایران یک استقراض خارجی لازم است، شرایطی که به موجب آن ممکن است یک مساعده ای پرداخته بشود، باید در تحت مذاقه عمیقه آورده بشود. دولت انگلیس آنچه را که از قبیل یک استقراض عمده باشد، رد خواهد نمود و تا یک مجلس منتخبه ای یک همچه معامله ای را تصویب ننماید، نمی تواند پرداخت هیچ مبلغی را از این باب قبول بنماید.

معاندین عمده مسلک مطلوبه عامه هستند و تمام مسئولیت اوضاع تبریز و اصفهان به عهده آنهاست - معزول بنماید. بعلاوه دولت انگلیس برای اصلاح آذربایجان و اصفهان، پیشنهاد می نماید که باید شاه را متقاعد نمود که به تمام ملت خودش - که تحت السلاح هستند - عفو عمومی اعطا و اعلان بدارد.

۲- دولت انگلیس، با این پیشنهاد کاملاً موافقت دارد که به شاه صلاح اندیشی بشود که فوراً تهیه نقشه و ترتیبی برای حکومت منتخبه ای که مطابق عقاید و رسوم مملکتی اهالی ایران باشد، بنماید.

این صلاح اندیشی را، نمایندگان دولتین انگلیس و روس قبل از این بیش از یک نوبت به آن اعلیحضرت نموده اند ولی تا حال نتیجه ای نبخشیده و بیم آن است که شاه در بی اعتنائی به آن مداومت بنماید؛ مگر آنکه به او محقق و معلوم بشود که این رویه، باعث نتایج سونی برای خود او خواهد شد.

بنابراین، دولت انگلیس پیشنهاد می نماید که یک موعده ای باید به شاه پیشنهاد شود که [برای] ایفا نمودن به مواعید خودش از آن

دولت انگلیس تصور می کند که مسئله کنترل نیز ممکن است به عهده تعویق گذارده بشود تا حکومت شوروی واقعیت حاصل بنماید. ولی به عقیده دولت مشارالیه، باید مقصود این باشد که به یک نوعی به مجلس جدید حق نظارت بر مالیه داده بشود؛ مثلاً به وسیله تأسیس یک دیوان محاسبانی که به توسط متخصصین خارجه ای تشکیل بشود.

به هر صورت، اگر اعلیحضرت شاه رأی قطعی خود را بر این قرار بدهد که فوراً یک خزانه دار کل تعیین بنماید، دولت انگلیس مخالفتی نخواهد داشت.

۴- دولت انگلیس تصور می کند پول قرض دادن به شاه با این اوضاع کنونی، به منزله یک نمایشی بر علیه مشروطه خواهان و در مساعدت با سلطنت شخصی اعلیحضرت معظم محسوب خواهد شد و باعث مداخله در امورات داخلی ایران می شود. بعلاوه، دولتین یگانه تسلطی را که به آن اعلیحضرت داشته اند، بدون به دست آوردن چیز دیگری به جای آن، از دست داده اند. (۲۱)

سرادار دگری، طی مراسله ای که چند روز بعد و در ۱۷ فوریه ۱۹۰۹ برای سرنیکلسون سفیر بریتانیا در سنت پترزبورگ فرستاد، به او تعلیم داد تا ضمن تأکید بر اصرار بریتانیا بر لزوم عملی شدن خواسته هایش توسط محمد علی شاه، به نوعی رضایت خاطر روسها را نیز فراهم آورده، متذکر شود که «ما میل نداریم اقدامی بکنیم که دولت روس بکلی با آن موافقت نداشته باشد.» (۲۲) بدین ترتیب مذاکرات روس و انگلیس درباره چگونگی اعطای وام به محمد علی شاه و شروطی که هر یک از دو کشور به همین منظور تعیین می کردند، کماکان ادامه یافت (۲۳)؛ تا اینکه در اوایل آوریل ۱۹۰۹ سرنیکلسون سفیر بریتانیا در سنت پترزبورگ، با وزارت امور خارجه روسیه به توافق درباره شروط دو کشور برای اعطای وام به محمد علی شاه دست یافت (۲۴) و مفاد آن، طی یادداشتی در ۱۹ آوریل ۱۹۰۹/اول ربیع الثانی ۱۳۲۷ به شرح زیر به محمد علی شاه تسلیم شد:

«آنگون تقریباً چهارماه از آن روزی گذشته است که نمایندگان اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر و اعلیحضرت امپراتور روسیه، برای آخرین بار، متفقاً به آن اعلیحضرت توصیه کردند وعده هائی را که به کرات به ملت خود و هر دو دولت درباره برقراری مجدد اداره ایران طبق قوانین مشروطه داده اید، به مورد اجرا بگذارید. متأسفانه برای آن اعلیحضرت و کشور فقیر شما و بدبختانه برای منافع بریتانیای کبیر و روسیه، آن اعلیحضرت به پیروی از مشاوران احمق، با نهایت سماجت، به نقض این وعده ها ادامه دادند، به جای آنکه ترجیح دهند، توصیه های معقولانه دو کشور همسایه و دوست، به مورد اجرا گذاشته شود. در نتیجه، اوضاع بازهم بدتر شد و بسختی می توان حتی یک بخش از کشور را به استثنای پایتخت، نام برد که در آنجا، دولت مرکزی از اهمیت اندکی برخوردار باشد.

نه تنها شهرهای مهم دچار حالت قیام علیه نظام ارتجاعی کنونی هستند، بلکه هرج و مرج سراسری تا آن اندازه توسعه یافته است که دیگر قابل تنظیم و اصلاح نیست. چنین اوضاعی، نه تنها برای آن اعلیحضرت هلاکت بار است،

بلکه همچنین خسارت هنگفتی به اتباع دو دولت همسایه می رساند.

اگر آن اعلیحضرت، چهار ماه قبل به توصیه های دوستانه دو قدرت همسایه عمل می کردند، وضعیت ایران کلاً از اوضاع اسفناک کنونی - که ورد زبان کشورهای متمدن همه جهان شده است - متفاوت می بود.

اگر آن اعلیحضرت وعده های خود را چهار ماه قبل عملی می کردند، از این عمل، آشتی بین آن اعلیحضرت و مردم کشور برقرار می شد.

دلیلی برای شک و تردید وجود ندارد که با کوششهای متحد آن اعلیحضرت و دولت مشروطه، بهبود کلی و چشمگیری در اوضاع کشور حاصل می شد.

خودداری دائمی آن اعلیحضرت از انجام وعده های خود، کار را به جانی رسانده است که برقراری مجدد نظم، بسیار دشوار می نماید.

با وجود این، نمایندگان دو دولت، معتقدند که هنوز هم نباید ناامید بود و جا دارد که آن اعلیحضرت فرصت را از دست نداده و به اداره اسفناک کشور به شیوه زمان پیش از انحلال مجلس گذشته و تحت نفوذ مردانی که خودشان را دشمنان میهن خود نشان داده اند، پایان دهند. ولی اگر آن اعلیحضرت باز هم پیش تر، انجام وعده های خود را به تعویق اندازد، دیگر امیدی به آن نخواهد بود که موفق شوند برای هرج و مرج فزاینده چاره ای بیابند.

با اعتقاد به این موضوع، دو قدرت دوست و همسایه - که تنها آرزوی آنها مشاهده ایران مستقل و آزاد شده از بحران غم انگیز کنونی، و نظم و نسق یافته و شکوفا می باشد- پس از بحث همه جانبه درباره اوضاع، به نمایندگان خود دستور دادند، تقاضای شرفیابی یکجا، به حضور آن اعلیحضرت نمایند که اگر اعلیحضرت، بر نامه توصیه شده کنونی دو دولت را در تمام جزئیات قبول نکنند، این دو کشور از هرگونه توصیه بعدی و ارائه کمک به آن اعلیحضرت توسط نیروهای خود، امتناع خواهند کرد و آن اعلیحضرت، دیگر نباید بروی هرگونه حمایتی چه از سوی این دو کشور و چه از سوی عمال آنها حساب کنند.

ماده ۱- لازم است مشیرالسلطنه و امیر بهادر جنگ از سمت خود برکنار شوند. امیر بهادر جنگ، باید نه تنها از ترکیب کابینه بلکه از همه وظایف خودش در دربار برکنار شود.

ماده ۲- پس از انجام اصلاحات زیرین، شاه باید رژیم مشروطه را دوباره برقرار کند.

ماده ۳- تشکیل کابینه ای مرکب از شخصیت های قابل اعتماد و انتخاب اشخاص روشنفکر متعلق به احزاب مختلف در ترکیب شورای دولتی، شورا باید قانون جدید انتخابات را تهیه و اعلام کند. اگر شاه اشخاصی را - که در خور اعتماد نیستند - در کابینه یا شورا وارد کند، ایران هیچگونه حمایت پولی دریافت نخواهد کرد.

ماده ۴- اعلام بلافاصله بخشودگی عمومی شامل همه آنهایی که مرتکب جنایات سیاسی شده اند، به استثنای مرتکبین جنایات



عادی.

در مورد اشخاص اخیر و همچنین متهمان به راهزنی، دولت ایران باید تضمین‌هایی برای محاکمه بی‌غرضانه آنها بدهد.
ماده ۵- برای انتخابات و دعوت انجمنها، باید بلافاصله مهلت تعیین شود. این مهلت، باید بدون تأخیر در تمام کشور اعلام گردد.
ماده ۶- به محض اینکه تدابیر یاد شده در ماده ۱ تا ۵ توسط شاه اتخاذ شود، دولت روسیه - اگر لازم تشخیص دهد - به دولت ایران برای مخارج فوری ناشی از انجام اصلاحات، یکصد هزار لیره استرلینگ خواهد داد. دولت انگلیس نیز - اگر لازم تشخیص دهد - همین مبلغ را به دولت ایران به محض تشکیل انجمن انتخاباتی، به عنوان پیش پرداخت و مساعده خواهد پرداخت. اگر بعداً ضروری تشخیص داده شد که وام بزرگ‌تری برای تسهیل اوضاع ایران داده شود، این موضوع ممکن است با رعایت چند تضمین - که موضوع تبادل نظرهای بعدی بین دو دولت و دولت ایران خواهد بود - انجام گیرد.

با الهام گیری از میل صمیمانه برای کمک به ایران در بحران بسیار سنگین کنونی، کابینه‌های سنت پترزبورگ و لندن، بین خود توافق کرده‌اند که انجام این توصیه‌های دوستانه را به شاه تأکید

کنند و هر دو دولت، معتقدند که تحقق این برنامه، تنها وسیله‌ای است که ایران از اوضاع تقریباً بدون چاره‌کنونی رهائی یابد.^{۲۵)} گزارشات بر جای مانده، حاکی از بحران عظیمه مالی دامنگیر محمدعلی شاه و دولت او در ماههای نخست سال ۱۹۰۹ میلادی/۱۳۲۷ قمری بود و کسری بودجه دولت، مبلغ هنگفتی را تشکیل می‌داد و در حالی که قسمت اعظم عایدات گمرکات برای بازپرداخت اقساط بدهیهای دولت به بانکهای شاهنشاهی و استقراضی به مصرف می‌رسید، تعهدات پرداخت نشده دولت هم رقم قابل توجهی را نشان می‌داد. سر جرج بارکلی، در ۲۲ مارس ۱۹۰۹/۲۹ صفر ۱۳۲۷ طی گزارشی به شرح زیر، اطلاعاتی را که مسیو بیزو مستشار مالی فرانسوی درباره عایدات و هزینه‌های دولت ایران در اختیار او قرار داده بود، برای سرادوار گری ارسال کرد:

آقا، مسیو بیزو راپورت خود را راجع به مالیه به انجام رسانیده و ملاحظت نموده، اختتام رأی خود را به من اطلاع داده که ممکن است خلاصه آن را از قرار ذیل شرح داد:

از قوای استدراکمی که او توانسته از بودجه حاصل بنماید، معلوم شده که امسال ۳۶۰۰۰ لیره کسر دارد. در این صورت، کسر حقیقی سالیانه باید خیلی بیش از این مبلغ بشود؛ چونکه مخارج در این بودجه قلمداد نشده.

یک رشته از کسوری که هر ساله تولید شده، قرض نامحدودی به وجود آورده که متصل در تزیاید است.

بعلاوه ۳۲۵۰۰۰۰۰ منات قرض به دولت روس و ۲۹۰۰۰۰ لیره قرض به ما در ماه اکتبر گذشته، دولت ایران لافل ۱/۸۵۰۰۰ لیره مقروض بوده و از آن وقت تا به حال مبلغ معتابھی به این اضافه شده. این، به استثنای دعاوی خارجه است، یعنی از بابت مسروقات پستی و طرق که آنهم باید مبلغ گزافی باشد. یک قسمت این قرض مشتمل به استقراض از دو بانک است که بعضی از آن را اساساً افراد، خصوصاً وزاری کابینه و شاهزادگان منسوبین به سلطنت قرض نموده‌اند، ولی دولت حاضر به عهده گرفته است که بی‌شبهه مجلس در آن خصوص گفتگو خواهد نمود و یک قسمت دیگری، حوالجات لاوصولی است که از بابت مالیات به شعب مختلف حواله شده.

برای استعلاج مسیو بیزو، اقدامات ذیل را توصیه می‌نماید:

۱- بودجه، باید به قاعده ترتیب داده شود.
۲- خزانه دار کل، اروپایی باید تعیین بشود که بودجه مزبور را به موقع اجرای بگذارد.

۳- تأسیس دیوان محاسبات.

این بودجه، ناگزیر متضمن یک کسری خواهد بود مگر اینکه:

۱- مالیاتی که در شهرها متعجانه سبک است، زیاد بشود.
۲- صورت مستمریات، جرح و تعدیل بشود.

۳- قریب ۱/۲۰۰۰۰۰ لیره قرض دولت به دو بانک، تبدیل به قرض دیگری بشود. نظر به مصارف لازمه برای اصلاحات، حتی به این نهج هم باز تا چند سال کسر خواهد داشت.

یک استقراضی برای تبدیل قروض بانک و برای تأدیة طلب سایر طلبکارها و مصارف اصلاحات لازم خواهد بود تا یک پراگرامی برای اصلاحات و مصارف اصلاحات ترتیب داده نشود،

و طلب سایر طلبکاران خصوصاً دارندگان حوالجات لاوصول حساب نشود مبلغ این استقراض را نمی توان تعیین کرد.

صورتی به مسیو بیروز ارائه شده که به موجب آن مبلغ حوالجات تأدیه نشده تا قبل از سنه ۱۹۰۸ بالغ بر ۵۴۰/۰۰۰ لیره می شود. مسلماً از آن زمان تا حال باید این مبلغ زیادتر شده باشد؛ ولی بی شبهه در موقع رسیدگی به حساب دارندگان این حوالجات، مبلغ معتدیهی از آن تکسیر خواهد شد.

در خاتمه، مسیو بیروز در لزوم سرعت تعیین یک نفر خزانه دار کل اروپایی تأکید می نماید.

امضا - جارج بارکلی. (۲۶)

بدین ترتیب و در حالی که بحران مالی دامنگیر دولت، اولیای امور راستخت تحت فشار قرار داده بود، محمدعلی شاه در یازدهم آوریل ۱۹۰۹، سعدالدوله را مأمور ساخت تا سفرای روس و انگلیس را ملاقات کرده و ضمن اعلام پذیرش شروط دو کشور، درباره عواقب سوئی که احتمالاً در نتیجه برقراری مجدد مشروطیت برای وی و خاندانش بروز خواهد کرد، آنان را آگاه سازد و ضمناً یادآور شود که مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ فرانک مساعدی که دولتین قول داده اند، در اختیار او قرار دهند، برای اصلاحات مورد نظر و هزینه های جاری دولت بسیار کم است. اما سفارتین تأکید کردند که هیچ گونه خطری متوجه او و خاندان سلطنت نیست و مبلغ پیشنهادی (۵۰۰/۰۰۰ فرانک) هم برای هزینه های جاری او کافی خواهد بود. (۲۷)

اما روسها که هنوز برای حل مشکلات مبتلا به محمدعلی شاه اعطای وام سنگینی را به او مدنظر داشتند، به انگلیسیها پیشنهاد دادند که وام مورد نظر هر چه زودتر در اختیار محمدعلی شاه قرار گیرد. اما سرادورد گری در پاسخ به این پیشنهاد روسها از طریق سر نیکلسون سفیر بریتانیا در سنت پترزبورگ، روسها را هشدار داد که تا زمان گشایش دوباره مجلس شورای ملی و تصویب نمایندگان مجلس، هیچگونه وام سنگینی در اختیار محمدعلی شاه قرار گرفته نشود. (۲۸) در همان حال محمدعلی شاه - که نیاز مبرمی به پول داشت - بار دیگر سعدالدوله را به ملاقات سفرای روس و انگلیس در تهران فرستاد و پیشنهاد کرد تا جهت فائق آمدن بر مشکلات فزاینده مالی دو کشور، در اسرع وقت مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ لیره در اختیار وی قرار دهند تا او بتواند اصلاحات مورد نظر دولتین را به انجام رساند. اما سفارتین روس و انگلیس تأکید کردند که وام مورد نظر فقط پس از گشایش مجلس اعطا خواهد شد. (۲۹) به رغم این موضع گیری مشترک، سابلین سفیر روسیه در تهران طی مراسله ای - که در ۲۹ آوریل ۱۹۰۹، ربیع الثانی ۱۳۲۷ به شرح زیر برای وزارت امور خارجه دولت متبوعش فرستاد - به لزوم اعطای وامی کافی به محمدعلی شاه در اسرع وقت تأکید کرد:

"متعاقب اجرای طرح پنج ماده ای پیشنهاد انگلیس و روس از طرف شاه، سعدالدوله مجدانه تلاش می کند که مساعدی را که به دولت شاه وعده داده است، بپردازد. این پول، کاملاً ضروری است و فقدان آن ممکن است به شورشهای بزرگی منجر شود. در تهران بحران شدیدی حکمفرماست و سربازان گرسنه، مستعدند که به هر عملی دست بزنند.

دولت قصد دارد که صد هزار تومان به افراد پادگان و صد و پنجاه هزار تومان به افراد عین الدوله بپردازد و به خدمت قسمتی از آنها پایان بدهد. پنجاه هزار تومان به نیازمندی وزارت امور خارجه اختصاص داده خواهد شد که کارمندان آن بیش از مدت

دو سال است که حقوقی دریافت نداشته اند." (۳۰)

وزارت امور خارجه روسیه نیز - که مایل بود پیش از موعد مقرر مساعدی هایی هر چند محدود در اختیار محمدعلی شاه قرار دهد - با جلب رضایت انگلیسیها در صدد برآمد مساعدی مورد نیاز را به محمدعلی شاه بپردازد (۳۱) و سعدالدوله نیز مکرراً برای دریافت این وام به سفارت روس در تهران مراجعه کرده، تقاضای کرد که هر چه زودتر به بانک استقراضی دستور پرداخت آن داده شود (۳۲) و در همان حال لیستی از تعهدات پرداخت نشده دولت را در اختیار سفارت روس قرار داد تا براساس آن مساعدی لازم پرداخت شود. (۳۳)

هنگامی که روسها برای اعطای این قرضه به محمدعلی شاه پیشقدم شدند، در ۱۴ مه ۱۹۰۹ سرادورد گری طی مراسله ای خطاب به سر نیکلسون سفیر بریتانیا در سنت پترزبورگ تأکید کرد:

"آندری که من اطلاع حاصل کردم، دولت روس به توسط سفیر کبیر خودش در لندن گمان می کند حالا که شاه مشروطه را قبول نموده است، استقراضی داده بشود که دولت ایران بتواند اصلاحات را محقق بدارد؛ من به او اطلاع دادم که اگر دولت روس گمان می کند که این استقراض لازم است، ما ضدیتی نداریم؛ لکن تا مدتی که مجلس این قرض را قبول نکند، ما قسمت خودمان را از این استقراض چهارصد هزار لیره نخواهیم پرداخت." (۳۴)

بدین ترتیب دولت روسیه از طریق بانک استقراضی در تهران مبلغ یکصد هزار لیره در اختیار محمدعلی شاه قرار داد. (۳۵) در قرارداد این قرضه - که خبر انعقاد آن در ۱۸ مه ۱۹۰۹ توسط سابلین برای وزارت امور خارجه روسیه ارسال شده است - چنین می خوانیم:

قرارداد بین دولت ایران به نمایندگی جناب وزیر امور خارجه و کفیل موقت صدارت شورای وزیران از یک سو، و بانک استقراضی ایران به نمایندگی آقای اگزمپلیاروف از سوی دیگر. نظر به اینکه اعلیحضرت پادشاه، بندهای ۱۵ صلاحیتهای دوستانه ارائه شده از طرف دولتین روسیه و انگلستان را به آن اعلیحضرت به منظور احیای مشروطه در ایران و آرامش کشور عملی فرموده اند، به موجب بند ۵ آن طرح، انجام اقدامات زیرین مقرر گردیده است:

ماده ۱ - دولت روسیه امپراتوری، وجوهی به مبلغ ۲/۵۰۰/۰۰۰ فرانک در اختیار دولت ایران می گذارد و این پول، در حساب بانک استقراضی ایران در تهران منظور گردیده و در برابر احکام پرداختی - که نماینده روسیه طبق درخواست اداره خزانه داری ایران، همزمان با ارائه موارد مصرف وجوه، هر بار صادر خواهد نمود - پرداخت خواهد شد.

ماده ۲ - وجوه نامبرده بالا، جهت پرداخت مخارج فوری مورد نیاز اصلاحات در نظر گرفته شده است و طبق مفاد طرح مقرر شده بین نمایندگی روسیه و دولت ایران، خرج خواهد شد.

هیچگونه حکم جدیدی در مورد پرداخت، پذیرفته نخواهد شد مگر آنکه دولت ایران مدارک لازم ارائه دهد که وجوه دریافت شده قبلی، تماماً و برای مقاصدی که اعتبار جهت آن گشوده شده بود، مصرف گردیده است.

ماده ۳ - این معاهده، با عایدات گمرکی جبران می گردد.



این مسئله تقسیم که هر یک سهمی بزرگ ترمی خواهند، اول اسباب نفاق و کم کم اسباب نزاع شده و پس از نزاع، کار به استعفا کشیده است. بالاخره امروز را خانه امیر نظام وزیر مالیه از صبح جمع شده اند که بلکه تقسیم را به نسبت کرده، همگی راضی و خشنود شوند و این تقسیم تا غروب خبر دارم طول کشیده بود و شاید امشب هم تمام نشود.

اما چون نظامنامه انتخابات تمام شده، دور نیست هر شکل هست سرش را به هم بیاورند. خانه امیر نظام هم جای پرت دور از شهر است. ممکن است چند شبانه روز بی حضور مدعی بمانند تا تمام شود. ملاحظه حال این مملکت را بکنید که در همچو "علم صراطی" و آشوب و انقلابی با وزرای منتخب با علم متمدن مادست از یغما و غارت این ملت فقیر پریشان بر نمی دارند و برای تقسیم صد هزار لیره ناقابل تو سر و مغز همدیگر می زنند و هیچ به شرف و انسانیت آنها بر نمی خورد. چه توقع از سایرین باید داشت که برای شام شب و پول حمام زن و فرزند، محتاج وسائل به کف است.

از فرار تحقیق، گذشته از شرایط بسیار سخت که سفیرین روس و انگلیس در استقراض این صد هزار لیره کرده اند، چهل

عایداتی که برای تضمین دو قرضه پیشین دولت در سالهای ۱۹۰۲ و ۱۲۷۹-۸ و ۱۲۸۱-۸۰ خ ۱۳۱۹-۱۸ و ۱۳۳۰-۱۹ [از بانک استقراضی ایران، به کار رفته است.

ماده ۴- میزان بهره، ۷ درصد در سال تعیین می گردد که در هر شش ماه پرداخت خواهد شد.

بند ۵- در صورت بروز اختلاف، متن فرانسوی ارجحیت دارد. (۳۶)

به رغم این مساعده ای که بانک استقراضی در اختیار محمدعلی شاه قرار داد، بحران مالی حکومت حل ناشدنی باقی ماند و مذاکرات طرفین تا روزهای پایانی دوران موسوم به استبداد صغیر ادامه یافت. اما با فتح تهران و سقوط محمد علی شاه دیگر مجالی برای ادامه مذاکرات و اعطای وام به او باقی نماند. (۳۷) عین السلطنه - که خود از نزدیک شاهد اخذ وام یکصد هزار لیره ای از بانک استقراضی بود - درباره حرص و ولع کم نظیری که درباریان و مجموعه عوامل درگیر در دولت در مصرف و تقسیم زود هنگام آن به خرج دادند - شرح جالبی دارد که نقل آن خالی از لطف نخواهد بود:

آنچه از همه بیش تر شنیده شده، حکایت تقسیم صد هزار لیره اول است که تا مجلس منعقد نشده، باید مابین وزرا تقسیم شود و

هزار تومان توفیر لیره منظور شده... پس از همه آن کسر و نکشها، سعدالدوله میل دارد صد و پنجاه هزار تومان برای اجزای وزارت خارجه بردارد که به قدر پنجاه تایی آن تقسیم برادر و برادرزاده خودش سفیر امریک و جای دیگر می شود؛ از صد تایی دیگر هم صاحبان حقوق هر کدام بیش تر کم کردند، خواهند گرفت. مثلاً نصیرالدوله بیست هزار تومان طلب دارد البته نصف آن را تقدیم می دهد برای وصول نصف دیگر. همین طور شاید دیگری به ثلث راضی شود. صد تا هم وزیر دربار برای بیوتات سلطنتی می خواهد، ناچار می دهند. زیرا اگر ندهند شاه امضای تمسک را نمی کنند. مابقی را نمی دانم به وزیر جنگ یا دیگری چه می رسد. می دانم بیست هزار تومان به فرمانفرما و وزارت داخله بیش تر نمی خواستند بدهند که این نزاع و مرافعه برخاست. امروز البته فرمانفرما را هم راضی می کنند و می گذرد تا برسیم به آن صد هزار لیره دیگر که از حالا و کلا می شاید در تقسیم آن مرافعه دارند و اگر عمری باشد، تقسیم آنها را هم خواهیم نوشت. افسوس آقا سید عبدالله نیست و شیخ فضل الله تسلط و اقتداری ندارد! (۳۸)

مخالفت های عمومی با اخذ وام خارجی

در حالی که دولتین روس و انگلیس تقریباً در تمام دوران موسوم به استبداد صغیر درباره شرایط و چگونگی اعطای وام به محمدعلی شاه و دولت او به چانه زنی مشغول بودند و از سوی دیگر محمدعلی شاه بالاخص از طریق سعدالدوله وزیر امور خارجه - که در ماههای پایانی آن دوره مسئولیت ریاست الوزرای را نیز عهده دار بود - برای اخذ وام از کشورهای مذکور در تلاش بود - مخالفت های عده ای با اخذ هر گونه وام از این دو کشور از سوی اقشار مختلف مردم ابراز می شد. این مخالفت ها بالاخص در میان مردم و گروههایی که از مشروطیت و نظام پارلمانی حمایت می کردند، بیش تر محسوس بود که با انتشار اعلامیه ها، مقالات و...، دولتین روس و انگلیس را نسبت به اعطای هر گونه وامی به محمدعلی شاه هشدار می دادند و نیز اولیای امور حکومت محمدعلی شاه را تهدید می کردند تا در شرایط فقدان مجلس شورای ملی و دولت قانونی از اخذ وام خارجی اجتناب کنند. (۳۹) معترضین بویژه به دولتین روس و انگلیس هشدار می دادند که اگر برای پرداخت وام قرارداد تازه با دولت ایران بسته شود، مردم ایران این قرارداد روس و انگلیس را به رسمیت نخواهند شناخت و خودشان را در مقابل این وام مسئول نمی دانند؛ زیرا چنین قراردادی با رأی خود شاه و دولت او بسته می شود و با قانون اساسی مغایرت دارد. (۴۰) سفارت بریتانیا در تهران در ۱۵ فوریه ۱۹۰۹ در این باره چنین گزارش کرده است:

"احتراماً ضمن اعلام وصول نامه مورخ ۲۳ ماه جاری راجع به دریافت تلگرافی از طرف وزیر مختار دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ایران، حاکی از اینکه اعلامیه ای با امضاهای متعدد - که ظاهراً از طرف حزب ملیون می باشد - به ایشان رسیده است بدین مضمون که هیچ امتیازی یا قرضه ای خواه مستقیم یا غیر مستقیم - که داده شود - به رسمیت شناخته نخواهد شد مگر اینکه مجلس آن را تصویب کرده باشد." (۴۱)

از جمله کسانی که مخالفت خود را با اخذ وام از روسها و انگلیسیها اعلام کردند و نمایندگان آن دو کشور را در ایران نسبت به اعطای هر گونه وامی به

محمدعلی شاه و دولت او هشدار دادند، گروه هایی از روحانیون بودند که تأکید می کردند هر گاه چنین وامی در اختیار محمدعلی شاه قرار گیرد، ملت و مردم ایران هیچگونه تعهدی نسبت به بازپرداخت آن نخواهند داشت. سفارت انگلیس در تهران در فوریه ۱۹۰۹ در این باره چنین گزارش داد:

"کاپتان هاروت در ۲۰ فوریه [۲ اسفند/ ۲۸ محرم] راپورت داد که مجتهد اعظم همدان به او اطلاع داده است که علمای عمده کربلا به من تعلیمات داده اند که از تمام قسولها خواهش بنمایم به سفارتهای خودشان اعلام بدارند که خبر پول قرض دادن دولتین به شاه، به ما رسیده. شاه به هیچ وجه حق استقراضی ندارد و اختیار این مسئله محول به مجلس ملی است که قائم مقام کنونی آن، انجمن ایالتی آذربایجان است و برای هر مبلغی به شاه پرداخته شود، ملت به هیچ وجه مسئول نخواهد بود." (۴۲)

در این میان بالاخص انجمنهای طرفدار مشروطه - که به رغم فشارهای وارده از سوی محمدعلی شاه، کماکان در ایالات مختلف به فعالیت خود ادامه می دادند - بیش از هر گروه دیگری نسبت به طرح روس و انگلیس برای اعطای وام به محمدعلی شاه اعتراض می کردند و با ارسال نامه هایی برای سفارتین آن دو کشور در تهران، آنان را از اعطای هر گونه وامی به محمدعلی شاه بر حذر می داشتند. (۴۳)

سابلین - که در دوران استبداد صغیر سفیر روسیه در تهران بود - بعدها در گفتگویی با محمد امین رسول زاده تأکید کرده بود که "ما زمانی که در دوره محمدعلی شاه می خواستیم وامی جزئی به حکومت بدهیم، تلگرافهای اعتراض از اطراف بر سرمان می بارید. آنان خواستار آن بودند که مادام که پارلمان باز نشده، وام داده نشود." (۴۴) از جمله انجمن ایالتی خراسان طی مراسله ای به شرح زیر، اعطای هر گونه وامی را از سوی دولتین روس و انگلیس به محمدعلی شاه غیر قانونی دانسته، خاطر نشان ساخت:

"از مشهد به طهران

غرة ربیع الاول - ۱۳۲۷ سفارت عثمانی، آلمان، انگلیس، روس، فرانس، اطریش، هولاند، ایتالی؛ خدمت جناب جلالت مآب اجل عالی، زحمت افزا می شود؛ البته خاطر مبارک از دستخط مظفرالدین شاه مرحوم، مورخه ۱۴ جمادی الثانیه ۱۳۲۴ در تأسیس کنتی توسیون و امضای محمدعلی شاه بتفصیل مستحضر است. اوضاع حالیه ایران را هم بعد از انفصال و توپ بستن به مجلس، مطلع می باشید. معلوم است که توپ بستن به مجلس باعث انفصال مشروطیت ایران نخواهد بود و ملت ایران، همانطور که به مشروطیت معرفی شده، خود را جزء دول مشروطه و دارای قانون اساسی دانسته و می دانند. اهالی مملکت خراسان، مطابق قانون اساسی لازم شده مراتب ذیل به نمایندگان دول متحابه، پروتست و اعلان شود که مطابق اصل ۲۴، ۲۵ و ۲۶ قانون اساسی، اعطای امتیازات و بستن عهود و استقراض و غیرها باید به تصویب دارالشورای کبرای ملی باشد و در این موقع که پارلمان ایران منفصل است، هرگاه امتیاز اداره ای از ادارات دولتی را به یکی از دول، بدون تصویب انجمنهای ایالتی - که امروزه قائم مقام پارلمان است - بدهند، فردی از افراد ملت ایران نخواهد پذیرفت و اهالی به حکم رؤسا مذهب جداً مخالفت خواهند نمود. از قرار مسموع در این اوقات محمدعلی شاه اراده دارد اداره تذکره را به دولت

بهبه روس به عنوان رهن واگذار نماید. لهذا عموم ملت خراسان، به نمایندگی آن دولت بهیه رسماً پروتست نموده و لازم دانست که به سایر نمایندگان محترم دول هم ابلاغ بدهیم تا بدانند احدی از ماها زیر بار این گونه معاملات نخواهند رفت.

انجمن ایالتی خراسان^(۴۵)

بویژه پس از آنکه دولت روسیه در صدد برآمد مبلغ یکصد هزار لیره از طریق بانک استقراضی به محمد علی شاه اعطا کند، اعتراضات مردم از گوشه و کنار کشور نسبت به این اقدام روسها فراگیرتر شد؛ از جمله انجمن آذربایجان - که در دوره استبداد صغیر فعالیت چشمگیری داشت - طی مراسلاتی خطاب به حکومت محمد علی شاه، آنان را به خاطر اخذ این وام شماتت و این اقدام را مخل استقلال کشور ارزیابی کرد. (۴۶) انجمن آذربایجان در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۷ طی تلگرافی - که خطاب به مستشار الدوله در تهران ارسال کرد - تقاضا نمود تا دولت و محمد علی شاه را نسبت به اخذ این وام هشدار دهد. در بخشی از این تلگراف چنین آمده است:

از قرار اطلاعات اخیر، معلوم می شود همانطور بعضی مذاکرات شفاهی و شخصی در این بابها به عمل آمده و گویا رسماً چیزی مخل بر مشروطیت و استقلال نگذشته باشد جز مسئله صد هزار لیره که آن را هم ملت قبول نمی کند و باید تا افتتاح مجلس موقوف بماند و بدون تصویب مجلس نباید گرفته شود و البته به اولیای دولت، درست اندازه مؤاخذه ملی این مسائل را - اگر خدای نخواست به صحت برسد - حالی کنید و به اعلیحضرت همایونی هم عرض کنید که قلب مبارکشان کاملاً به اتحاد دولت و ملت مطمئن شده، ابتدا به خارجیان میل نموده و به حرف آنها توجه نکرده، چیزی مخل بر استقلال مملکت یا مستلزم مداخله اجانب و نظارت و صیانت حکمیت آنها، تصدیق و امضا نفرمایند و جنابمالی هم با تمام قوت خود در جلوگیری از این مذاکرات - که از قرار معلوم هنوز دایر است - بکوشید که بکلی موقوف شود. میاذا به صد هزار لیره یا ده میلیون لیره که منافع یک رود کارون و سد اهواز پس از ترقی مملکت در دست ابنای اولاد خود است، همه مملکت را بفروشیم و راههای ترقی و تمدن و توسعه تجارت و صناعت و همچنین ترقیات سیاسی را بگیریم.^(۴۷)

اما چنان که پیش از این هم ذکر شده است، مخالفت‌هایی از این نوع، محمد علی شاه و دولت او را از اخذ وام از بانک استقراضی روس مانع نیامد و این بانک طی واپسین روزهای دوران استبداد صغیر، مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ لیره در اختیار محمد علی شاه قرار داد.

با این حال وام ۱۰۰/۰۰۰ لیره‌ای فوق، تنها مورد کمک بانک استقراضی به محمد علی شاه نبود و در طی دوران استبداد صغیر مبالغ خطیر دیگری در قالب وامهای شخصی و غیره از سوی این بانک به او پرداخت شد و در مقابل، مقادیر قابل توجهی از جواهرات سلطنتی در گرو بانک قرار گرفت. منابع میزان قروض شخصی محمد علی شاه به بانک استقراضی روس را به هنگام فتح تهران تا سه کرور تومان ذکر کرده‌اند که سالانه فقط ۱۸۰/۰۰۰ تومان ربح بدان افزوده می شد. (۴۸) پس از فتح تهران و خروج محمد علی شاه از کشور، مسئولیت بازپرداخت این قروض بر عهده دولت مشروطه قرار گرفت. (۴۹)

چنانکه از منابع موجود برمی آید، در دوران استبداد صغیر بانک استقراضی با استفاده از بحرانهای عدیده سیاسی - اقتصادی حاکم بر کشور در روابط

مالی اش با افراد از طبقات مختلف تا حدی از اصول و مقررات مندرج در امتیاز نامه اش عدول کرده بود. از جمله اقدامات غیر اصولی بانک در این دوره، قبول رهن اموال و دارایی های غیر منقول بود که این بانک طبق امتیاز نامه اش نمی توانست به چنین اقدامی دست بزند. عین السلطنه در خاطرات روز سه شنبه ۲۹ شوال ۱۳۲۶ خود با اشاره به اوضاع بحرانی حاکم بر کشور، به اقدام بانک استقراضی در قبول غیر قانونی رهن املاک و دارایی های غیر منقول چنین اشاره می کند:

بانک روس هم - که هیچ معمول نبود املاک رهن بگیرد - چندی است ولایت را شلوغ دیده [در دوران استبداد صغیر] و متصل رهن می کند. مردم بیچاره دیگر طلا، نقره، جواهر حتی مس و برنج هم ندارند گرو بگذارند، ناچار املاک می دهند و او هم برخلاف عهدنامه و قرارنامه رهن می کند.^(۵۰)

ضمن اینکه بانک استقراضی در این دوره سخت گیریهای غیر معمولی نسبت به بدهکاران خود اعمال می کرد و جهت اخذ مطالبات خود از آنان به شیوه های خشن و خلاف رویه ای متوسل می شد. این سخت گیریها به حدی غیر قابل تحمل شده بود که گفته می شد تعداد زیادی از کسانی که در دوره استبداد صغیر در سفارت عثمانی در تهران گرد آمده و برقراری مجدد مشروطیت را طلب می کردند، از مقروضین بانک استقراضی بودند که جهت رهایی از فشارهای این بانک به سفارت عثمانی پناه برده بودند. (۵۱)

در دوره استبداد صغیر و بالاخص طی ماههای پایانی این دوره، اقدامات امنیتی و حفاظتی جدی تری از سوی اولیای بانک استقراضی و سفارت و نمایندگی های سیاسی روسیه در نقاط مختلف ایران برای حفاظت از دارایی ها و کارمندان بانک استقراضی به کار گرفته شد. بالاخص اینکه گمان می رفت به خاطر حمایتهای روسیه از محمد علی شاه و سیاستهای تجاوز کارانه آن کشور در ایران، کسانی از انقلابیون و مشروطه خواهان، بانک استقراضی را مورد حمله قرار دهند. (۵۲) روسها جهت حفاظت از بانک استقراضی بالاخص به نیروی قزاق متکی بودند که تحت فرماندهی افسران روسی قرار داشت. (۵۳)

دولت روسیه - که هر آن نگران حمله مجاهدین و فتح تهران بود - بویژه طی ماههای پایانی دوره استبداد صغیر، در تقویت نیروی قزاق می کوشید تا با بهره گیری از قدرت آنان، حمله مجاهدین به تهران دفع شود. به همین دلیل بانک استقراضی - که تا آن هنگام تنها تأمین کننده حقوق و مزایای این نیرو بود - برداشته کمکهای مالی خود افزوده و از سوی دیگر دولت روسیه، محمد علی شاه را متقاعد ساخت تا بخشی از مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ لیره‌ای را که بانک استقراضی در اختیار وی قرار داده بود، برای تأمین حقوق و تدارکات نیروی قزاق اختصاص دهد. (۵۴)

هنگامی که نیروی مجاهدین از شمال و غرب به سوی تهران حرکت کرد، بانک استقراضی برای کمک مالی به محمد علی شاه از هیچ اقدامی فرو گذار نکرد تا نیروی تحت فرمان او بتواند در برابر مجاهدین مقاومت کرده، آنان را عقب بنشانند. قبل از آن نیز بانک استقراضی، برای خاموش کردن پایداری مردم تبریز در برابر نیروهای اعزامی محمد علی شاه مبالغ قابل توجهی در اختیار سعدالدوله قرار داده بود. ملک زاده اشاره کرده که سعدالدوله "منظریه و کامرانیه را به چهار صد هزار تومان در بانک روس رهن گذارده و پول آن را برای سرکوبی مجاهدین تبریز فرستاد." (۵۵)

مدیریت بانک استقراضی، در حمایت از محمد علی شاه در برابر حمله

- ۱۵- همان، صص ۱۰۴۳-۱۰۴۱.
- ۱۶- همان، صص ۱۰۷۸-۱۰۷۲.
- ۱۷- کتاب نارنجی، جلد دوم، صص ۸۸-۹۰.
- ۱۸- کتاب آبی، جلد دوم، صص ۲۷۱-۲۷۰.
- ۱۹- حسن معاصر (به کوشش)، پیشین، جلد دوم، صص ۹۹۵-۹۹۴ و کتاب نارنجی، جلد دوم، صص ۹۴-۹۲.
- ۲۰- همان، صص ۱۰۳-۱۰۱.
- ۲۱- کتاب آبی، جلد دوم، صص ۴۰۲-۴۰۱.
- ۲۲- همان، صص ۴۱۶.
- ۲۳- همان، صص ۴۳۶.
- ۲۴- همان، صص ۴۷۶-۴۷۵.
- ۲۵- همان، صص ۵۳۹-۵۳۷ و کتاب نارنجی، جلد دوم، صص ۱۶۸-۱۶۶.
- ۲۶- کتاب آبی، جلد دوم، صص ۲۵۸-۲۵۷.
- ۲۷- کتاب نارنجی، جلد دوم، صص ۱۵۴-۱۵۳.
- ۲۸- کتاب آبی، جلد دوم، صص ۴۸۵-۴۸۴.
- ۲۹- همان، صص ۵۰۳-۵۰۲.
- ۳۰- کتاب نارنجی، جلد دوم، صص ۱۷۲.
- ۳۱- همان، صص ۱۸۳-۱۸۲.
- ۳۲- همان، صص ۱۹۲-۱۹۱.
- ۳۳- همان، صص ۲۱۲.
- ۳۴- کتاب آبی، جلد سوم، صص ۵۲۵.
- ۳۵- همان، صص ۵۵۵.
- ۳۶- کتاب آبی، جلد دوم، صص ۲۰۰-۱۹۹ و فیروز کاظم زاده، پیشین، صص ۵۲۱.
- ۳۷- همان، صص ۵۲۲-۵۲۱ و کتاب آبی، جلد سوم، صص ۵۸۴ و صص ۵۹۵-۵۹۶.
- ۳۸- قهرمان میرزا سالور (عین السلطنه)، پیشین، جلد سوم، صص ۲۵۴۲-۲۵۴۱.
- ۳۹- احمد کسروی تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیر کبیر، ۱۳۴۰، صص ۸۳۴-۸۳۰.
- ۴۰- کتاب نارنجی، جلد دوم، صص ۱۰۶۱ و کتاب آبی، جلد دوم، صص ۳۹۹.
- ۴۱- حسن معاصر (به کوشش)، پیشین، جلد دوم، صص ۱۱۰۷.
- ۴۲- کتاب آبی، جلد دوم، صص ۴۳۱.
- ۴۳- همان، صص ۴۲۸-۴۲۷.
- ۴۴- احمد ناظم الاسلام کرمانی تاریخ بیداری ایرانیان (بخش دوم)، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، صص ۵۶۵-۵۶۴.
- ۴۵- صادق مستشارالدوله صادق اخاطرات و اسناد مستشار الدوله صادق (مجموعه چهارم)، به کوشش ایرج افشار، تهران: طایفه، ۱۳۷۰، صص ۱۳۵-۱۳۱.
- ۴۶- همان، صص ۱۳۳.
- ۴۷- مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ج. ۱۱، سال ۱۳۳۱، کارت ۵۲، بوشه ۲۳.
- ۴۸- قهرمان میرزا سالور (عین السلطنه)، پیشین، جلد چهارم، صص ۲۷۶-۲۷۵.
- ۴۹- بحث در این باره، مجال دیگری می طلبد.
- ۵۰- قهرمان میرزا سالور (عین السلطنه)، پیشین، جلد سوم، صص ۲۲۲۳.
- ۵۱- همان، صص ۲۲۴۱ و صص ۲۲۴۶-۲۲۴۷.
- ۵۲- کتاب نارنجی، جلد دوم، صص ۱۴۱.
- ۵۳- همان، صص ۱۱۹-۱۲۰.
- ۵۴- کتاب آبی، جلد سوم، صص ۶۰۷-۶۰۵.
- ۵۵- مهدی ملکزاده از زندگانی ملک المتکلمین، تهران: علی اکبر علمی و شرکاء، ۱۳۲۵، صص ۳۰۳.
- ۵۶- حسن معاصر (به کوشش)، پیشین، جلد دوم، صص ۱۲۴۴.
- ۵۷- احمد ناظم الاسلام کرمانی، پیشین، بخش دوم، صص ۴۵۹.

مجاهدین به تهران از این هم فراتر رفت و طی مراسلاتی از وزارت مالیه روسیه تقاضا کرد تا نیرویی روسی برای حمایت از محمدعلی شاه به تهران اعزام گردد. بارکلی سفیر بریتانیا در تهران در ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹/۲۶ جمادی الثانی ۱۳۲۷ در این باره خطاب به گری چنین گزارش داد:

«همکار روس ام به طور بسیار محرمانه به من اظهار داشت که مدیر بانک روس، تلگرامی به عنوان وزیر دارایی در پترزبورگ مخابره کرده و تقاضا نموده است نیروهای روسی به تهران اعزام گردند.» (۵۶)

ناظم الاسلام کرمانی هم در خاطرات روز یکشنبه ۸ جمادی الثانی ۱۳۲۷ خود، از قول سدید الملک به کمکهای مالی بانک استقراضی به محمدعلی شاه و نیروهای طرفدار او و نیز نیروی روسی - که گفته می شد عنقریب برای اعانت از محمدعلی شاه وارد تهران خواهد شد - چنین اشاره کرده:

«سدید الملک می گفت: امروز صد و بیست هزار تومان پول از بانک روس برای شاه آوردند. امیربهادر وعده داده است به ماها که چند روز دیگر ده هزار قشون روس وارد می شود و ما را اعانت می کنند.» (۵۷)

با تمام این احوال و به رغم کمکهایی که بانک استقراضی و نیز دولت روسیه در دفاع از محمدعلی شاه به عمل آوردند، نیروی مجاهدین بدون برخورد با مشکلی جدی، نیروی وفادار به محمدعلی شاه را در ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷/۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ عقب نشانند و فاتحانه وارد تهران شد و به عمر حکومت خود کامه محمدعلی شاه خاتمه داد.

پی نوشتها :

- ۱- مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند: ۱۳۳۷۶-ق.
- ۲- حسن معاصر (به کوشش)، تاریخ استقرار مشروطیت ایران (مستخرجه از روی اسناد محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان)، تهران: ابن سینا، ۱۳۵۲، ج اول، صص ۶۲۵-۶۲۴.
- ۳- همان، صص ۵۲۴-۵۲۵ و صص ۶۸۷-۶۸۴.
- ۴- همان، صص ۱۸۷.
- ۵- کتاب نارنجی، به کوشش احمد بشیری، تهران: پرواز، ۱۳۷۶، ج دوم، صص ۸۱-۷۸، و فیروز کاظم زاده، روس و انگلیس در ایران (۱۹۱۴-۱۸۶۴)، ترجمه منوچهر امیری، تهران: کتابهای جیبی، ۱۳۵۴، صص ۵۱۸-۵۱۷.
- ۶- قهرمان میرزا سالور (عین السلطنه) (روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷، ج دوم، صص ۲۲۵).
- ۷- کتاب آبی (به کوشش احمد بشیری)، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳، ج اول، صص ۳۰۰-۲۹۹.
- ۸- همان، صص ۲۲۲.
- ۹- همان، صص ۲۷۵.
- ۱۰- همان، صص ۲۸۸-۲۸۷.
- ۱۱- همان، صص ۳۰۰-۲۹۹.
- ۱۲- همان، جلد دوم، صص ۲۴۵-۲۴۴.
- ۱۳- حسن معاصر (به کوشش)، پیشین، جلد دوم، صص ۱۰۲۴-۱۰۲۳.
- ۱۴- همان، صص ۱۲۰۹.